

جایگاه و پایگاه زن در آثار دکتر مرتضی فرهادی مردم‌شناس برجسته معاصر ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۱/۰۱

کد مقاله: ۲۵۲۴۱

ندا سیدین^۱

چکیده

دکتر مرتضی فرهادی استاد تمام حوزه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی است که وی را به سبب پژوهش‌های متعدد در حوزه مردم‌شناسی، فرهنگ و علوم انسانی به ویژه در حوزه روستایی ایران و همچنین در حوزه مردم‌شناسی آینده می‌شناسند. فرهادی تنها محقق ایرانی است که صاحب نظریه در زمینه توسعه بومی است. ایشان تحقیقات بسیار زیادی در زمینه فرهنگ بومی و سنتی ایران داشته‌اند و در تحقیقات خود نقش زنان در امر توسعه کشورمان را امری واضح و مبرهن می‌دانند و بر آن بسیار تأکید دارند لذا بدلیل اهمیت موضوع بر آن شدیم تا مطالعه‌ای انجام دهیم و جایگاه و پایگاه زن را در آثار دکتر فرهادی مورد مطالعه قرار داده و مقایسه و تحلیلی انجام دهیم بین نظرات ایشان با نظرات برخی از مردم‌شناسان و فمینیست‌ها، و پاسخی داشته باشیم برای این سوالات که: علت شکل‌گیری نظرات فمینیستی چیست؟ این نظرات که منشا آن در غرب است آیا در کشور ما هم کاربرد دارد؟ رجوع به فرهنگ سنتی چه کمکی به ما می‌کند؟ چرا باید به فرهنگ سنتی خودمان برگردیم؟ پرداختن به تعاونی‌های روستایی تا چه اندازه در رشد و توسعه اقتصادی کشورمان تأثیر دارد؟ آثاری که از ایشان مورد بررسی قرار داده‌ایم عبارتند از: مردم‌شناسی قالیچه‌های گل برجسته دره جوزان ملایر- مازنجیل نگاهی مردم‌شناسی در گلیمینه‌های کورکی- ترانه‌های کار- کتاب انسان‌شناسی یاریگری- کتاب صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن- کمره‌نامه- کار و زمان در منشور شعر و کار کارستان پروین اعتصامی- ترانه‌های کار مشک زنی در روستاهای کمره.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی یاریگری، صنعت، سنت، توسعه بومی

۱- دانشجوی مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

زنان در همه ادوار تاریخی شاخصی از رشد و توسعه انسانی در عرصه های مختلف حیات بشری بوده و هستند، بررسی جایگاه زنان ایرانی، در هر دوره از تاریخ ایران، درحقیقت، بررسی فراز و فرودهای حیات اجتماعی و فردی مردمان این سرزمین است. برای درک وضعیت زنان در ایران و نقش آن ها در زندگی سیاسی، اجتماعی با سیر بستر تاریخی، اجتماعی مسائل بنیادین، مانند مقام و منزلت زن در جامعه، ملهم از مجموعه ارزش ها، اعتقادات، باورها، حضور مستقیم و غیرمستقیم آن ها در تشکیلات اجتماعی سیاسی و نقش آن ها در تحولات اجتماعی، که همگی عناصر اساسی در پدید آوردن فرهنگ سیاسی جامعه است، باید مدنظر داشته باشیم بررسی وضعیت حال هر پدیده اجتماعی، بدون شناخت پیشینه تاریخی آن، ممکن نیست. برای شناخت گذشته جامعه ایرانی و وضعیت فرهنگی و اجتماعی آن در گذشته و جایگاه زنان در آن، استخراج جایگاه زن ایرانی در متون کهن فارسی کمک شایانی در نمایاندن جایگاه و نقش زنان در آن دوره حساس تاریخی می کند. دوره ای که پس از دو قرن سکوت و خاموشی، ادبیات مکتوب فارسی از دل حکومت های نیمه مستقل ایرانی جوانه زد و در پناه وزرا و امرای دانش دوست و هنرپرور در اندک زمانی به شایستگی سر برآورد و بالنده شد و آثار ارزنده و بنامی از قلم بزرگانی چون فردوسی، بیهقی، غزالی، عنصرالمعالی، ناصرخسرو و دیگران در تاریخ ایران آن روزگار به جا گذاشت که در عین نام آوری و سرآمدی، پشتوانه و پناه ادبیات فارسی در ادوار آینده ایران شد (اللهیاری و بهادری، ۱۳۸۹).

امروزه تمامی اندیشمندان توسعه براین موضوع که مهم ترین نیاز توسعه مشارکت همه انسان هاست، توافق نظر دارند. منظور از توسعه، تعالی انسانهاست و در تعالی انسانها همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ملحوظ شده است. مطمئناً جامعه ای که می خواهد به توسعه دست یابد، به جای اینکه صرفاً به عوامل مادی متکی باشد، باید در جهت تعالی انسانها و کاهش نابرابری ها بکوشد؛ نابرابری هایی در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نابرابری هایی که معیار آن جنسیت انسانهاست. در کشور ما تجربه نیم قرن برنامه ریزی و تحول در دیدگاه ها و استراتژی های توسعه نشان داده است که کاهش نابرابری ها در درآمد و مصرف و کاهش نابرابری ها در ابعاد سیاسی و اجتماعی با هدف افزایش مشارکت داوطلبانه همه انسانها چه زن و چه مرد یک ضرورت بوده و انگیزه نیرومندی در فرآیند توسعه محسوب می گردد. ولی متأسفانه هنوز یکی از نابرابری های تکان دهنده در توسعه انسانی، تفاوت ها براساس جنسیت است. اگرچه در کشورهای صنعتی، فاصله جنس ها در زمینه های آموزش و بهداشت کاهش یافته است، اما در اشتغال و دستمزدها کماکان باقی است و زن ها سهم کمتری از درآمد ملی را به دست می آورند. به این ترتیب با وجود همه پیشرفت ها هنوز فاصله بین زنان و مردان زیاد است و نقش مهم زنان در روند توسعه پایدار نادیده انگاشته می شود (آزیده، ۱۳۹۶).

توسعه پایدار به عنوان یکی از بسترهای تعالی و رشد انسان، آنگاه می تواند موفقیت آمیز باشد که با یاری و مشارکت همه گروه های اجتماعی و برای همه آنان صورت پذیرد. در میان گروه های اجتماعی زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و بدلیل ارتباط مستقیم آنان با گروه های سنی جوانان، نوجوانان کودکان و نیز تاثیر نیم دیگر جمعیت، یعنی مردان از مهمترین و موثرترین گروه های اجتماعی به شمار می آیند، و این واقعیتی است که در جوامع در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است به همین جهت علیرغم برنامه ریزی ها و حمایت های انجام یافته هنوز زنان در بعضی کشورها نتوانستند به جایگاه و نقش مناسب خود در اداره امور کشور و در تصمیم گیری ها دست یابند (مجلسی، ۱۳۸۵).

به هر تقدیر جامعه ای که می خواهد به سوی توسعه حرکت کند اگر صرفاً به عوامل مادی توجه داشته باشد و تعالی انسان ها و کاهش نابرابری ها را در نظر نگیرد به موفقیت دست نخواهد یافت. به عبارت دیگر سواد، تندرستی، تغذیه صحیح، تامین مسکن در جامعه جزو نیازهای اساسی زن و مرد، دختر و پسر است. اگر در جامعه ای ضریب با سواد، تندرستی شاخص های تغذیه و تامین مسکن، ایجاد اشتغال و درآمد، بالا رود اما توزیع آن بین زن و مرد متعادل نباشد آن جامعه توسعه نیافته است. به همین جهت مسئولین متوجه شدند که زنان نقش به سزائی در فرآیند توسعه دارند (همان).

توجه به نقش زنان در فرآیند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اجتماعی، اقتصادی زنان در این کشورها بود. نتیجه آن که باوجود طرح رهیافت های مختلف برابری زنان و مردان به نظریه رفاهی مساوات و فقرزدایی، نظریه کار آیی و نظریه توانمندسازی زنان توجه جدی شد. رسیدن به معیار توانمندسازی زنان در چارچوب تحلیل جنسیتی نیاز به یک حرکت همه جانبه دارد که شامل اصلاحات فرهنگی، اجتماعی، ساختار حقوقی و تغییر تدریجی باورها و ارزش ها و همچنین برنامه ریزی از پایین به بالا دارد. بهمین جهت امروزه دنیا با این واقعیت مواجه شده که زنان دیگر نمی توانند به عنوان عوامل نامریی در فرآیند توسعه به حساب آیند نقش آفرینی و توانمندی های زنان در میزان موفقیت دولت های در حال توسعه در زمینه کنترل رشد جمعیت، بیکاری و پراکندگی درآمد فردی و حفظ محیط زیست سیاستگذاران کلان دولتی را وامیدارد تا زنان را از حصار نامریی بودن درآورد؛ زنان علاوه بر وظائف شخصی و

خانوادگی قادرند در حرکت های اجتماعی نقش های مهمی ایفا نمایند که یکی از جنبه های مهم آن مشارکت در برنامه های توسعه می باشد (همان).

۲- مردم شناسی قالیچه های گل برجسته دره جوزان ملایر

دکتر فرهادی در این نوشتار به معرفی قالیچه های نقش برجسته ایران که در ملایر و روستاهای توابع آن بافته می شود پرداخته به گفته دکتر فرهادی اگرچه ظاهراً هیچ چیز ایران به اندازه قالی های آن شهرت جهانی ندارد شگفت آور است که نوعی از این قالی ها یعنی قالی های نقش برجسته تا این اندازه ناشناخته باقی مانده است و ناشناخته ماندن این نوع قالی ها به حدی است که به نظر می رسد مقاله دکتر فرهادی در این زمینه نخستین مقاله مستقل در این باره است و این هنر دست زنان روستایی در ایران است که نادیده گرفته شده و دکتر فرهادی با پرداختن به آن قصد احیاء این هنر ارزنده، سرمایه ملی و زنده کردن فرهنگ بومی و سنتی ایران را دارد که می تواند یکی از عوامل موثر در توسعه اقتصادی کشور باشد (فرهادی، ۱۳۸۳: ۶۵).

اگرچه در این مقاله ایشان به معرفی و بررسی قالی و قالیچه های نقش برجسته بافته شده در این ناحیه خاص می پردازد ولی در پس این نوشتار می توانیم به نقش زنان و اهمیت آنان در اقتصاد خانواده پی ببریم همچنین با توجه به مطالعات دکتر فرهادی در زمینه تاریخ قالی و قالی بافی در ایران و با بررسی نقوش این آثار بخشی از تاریخ کهن ایران پیش چشم ما نمایان می شود و این همان تاریخ گویا و زنده است و به قول ویل دورانت کسی که تاریخ نمی خواند به ناچار آن را تکرار می کند و یا به قول سیرون بی خبر ماندن از آنچه که پیش از ما روی داده است هم چون ماندن در مرحله کودکی است اگر ندانسته ای از کجا آمده ای هرگز نخواهی دانست که به کجا می روی. بافت قالی و قالیچه زنان ایرانی همان تولید علم و فن است که اهمیت دادن و بها دادن به آن هم می توانست اوقات فراغت آنان را به نحو احسن پر کند و هم از آن طریق امرار معاش کنند و از همه مهمتر اینکه ایجاد فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار می کرد که تاثیر مستقیم بر رشد اقتصادی کشور داشت دکتر فرهادی در مطالعه ای که در زمینه بافت قالی و قالیچه در این منطقه خاص انجام داده خواسته این مطلب را گوشزد کند که انجام چنین کاری توسط زنان ایرانی اگر به آن پرداخته می شد می توانست منجر به همان فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار شود همان کاری که کشورهای توسعه یافته و صنعتی انجام دادند که سنت گذشته آنها سکوی پرتاب شان شد کاری که ما می توانستیم ولی متأسفانه انجام ندادیم (همان).

۳- مازنجیل-نگاهی مردم شناختی در گلیمینه های کورکی

در این نوشتار دکتر فرهادی به بررسی گلیمینه های طایفه کرکی پرداخته است و معتقد است که هر گلیم و گلیمینه نه تنها یک اثر هنری با ارزش که یک کتیبه ای است کهن تر از سنگ نبشته های جهانگشایان و ستمگران تاریخ و حتی کهن تر از الواح و کتیبه های خط هیروگلیف (فرهادی، ۱۳۷۹).

در این نوشتار هم اگرچه دکتر فرهادی به بررسی گلیم بافت های منطقه ای خاص می پردازد ولی نقش زنان روستایی را در این دست بافت ها نادیده نمی گیرد وقتی از نوع بافت طرح شکسته و گردان سخن می گوید و معتقد است که بافت های روستایی یا عشایری معمولاً از خطوط مستقیم تشکیل شده و بافت های شهری یا کارگاهی از خطوط منحنی بهره گرفته است و در اینجا اشاره می کند که زنان روستایی هم این توانایی را داشته اند و هم اگر ضرورتی پیگر وجود داشت می توانستند به آن دست یابند و گاه دست بافته های آنها از نظر زیبایی طرح و نبوغ در رنگ آمیزی و ظرافت در بافت بر بسیاری بافته های شهری پیشی می گیرد و در این جا دکتر فرهادی نتیجه می گیرد که در وجود یا عدم وجود مهارت، نه علت پیدایش این دو سبک که خود معلول زندگی در این دو جامعه مختلف می باشد و اینکه به گمان ایشان خطوط شکسته، زوایای برنده اشکال و خطوط محکم و استوار از قدرت و استواری ارزش ها و سنت های فرهنگی در ایل و روستا سخن می گوید (همان).

۴- ترانه های کار

در این نوشتار دکتر فرهادی به بررسی ترانه های عامیانه پرداخته و آنها را از منظر جامعه شناسانه و مردم شناسانه مورد بررسی قرار داده است وی معتقد است ترانه هایی که در هنگام کار خوانده می شده باعث تقویت روحیه کارگران و عملکرد بهتر آنان بوده به طور مثال در بخشی از نوشته از ترانه های کار برنج کاری می نویسد که: برنج کاری به خاطر الزامات و مشقاتی که دارد تا روزگار ما کار دسته جمعی باقی مانده است نشای برنج و وچین اول و دوم آن معمولاً به وسیله زنان و در گذشته غالباً به وسیله گروه های همیار انجام می شده. اشعار و ترانه های کار برنج کاری بیانگر عواطف، احساسات، رنج ها و آرزوهای برنج کاران است و همچنین به دلیل این که پیوسته به صورت دسته جمعی و در گرمای کار کشت برنج خوانده می شود تاثیر چشمگیری در تقویت روحیه و ایجاد شورکار در برنج کاران دارد. خوانندگان این ترانه سرودها و تغییر دهندگان کلام آنها اغلب زنان شالی کارند و

همخوانان ممکن است گروه زنانی باشند که همراه تک‌خوآن با همان خواننده اصلی در یک کورت از شالیزار کار می‌کنند نیز ممکن است گروه کارهای مختلفی از زن‌ها باشند که در پهنه گسترده‌ای از شالیزار و در کورت‌های مختلف تا جایی که صدای تک‌خوآن به دوش می‌رسد پراکنده‌اند (فرهادی، ۱۳۷۹).

۵- انسان‌شناسی یاریگری

انسان‌شناسی یاریگری، کتابی با محوریت مسئله همکاری در دنیای رقابتی مدرن است و ابعاد مختلف و جدیدی از این موضوع قدیمی را کالبدشکافی می‌کند، موضوعی که شاید در ابتدا خواننده را به یاد تعاونی‌های سنتی روستایی و مسائل تکراری بارها گفته شده پیرامون آنها بیندازد اما تنها خواندن چند صفحه آغازین این کتاب ۶۳۱ صفحه‌ای کافی است که مخاطب برای خواندن مابقی آن وسوسه شود. در این کتاب مولف به نقش زنان در اقتصاد خانواده و به دنبال آن تأثیری که بر اقتصاد جامعه دارد می‌پردازد. دکتر فرهادی در این کتاب نمونه‌هایی از انواع یاریگری در ایران و دسته‌بندی آنها را بیان می‌کند و نهایتاً چنین نتیجه می‌گیرد که برخلاف اعتقاد برخی صاحب‌نظران داخلی و خارجی کشاورزان ایرانی هرگز خودخواه و فردگرا نبوده‌اند و اینکه به رغم نتیجه‌گیری برخی افراد مبنی بر از بین رفتن نظام‌های یاریگری و فرهنگ همکاری در ایران طی دهه‌های اخیر این الگوها همچنان پویا بوده و خود را بازتولید می‌کنند دکتر فرهادی با اشاره به برخی نظام‌های یاریگری نسبتاً جدید در جامعه امروز و با الهام از این جمله زیمل که «مهم قواعد بازی است و نه جنس مهره‌ها» می‌گوید: «واژه شیر می‌رود ولی واژه پول می‌آید و در این کتاب نگاهی به مشارکت‌های سنتی زنان ایران با محور اصلی همیاری دارد که یک بخش کامل از کتاب فرهنگ یاریگری را دکتر فرهادی به این مساله پرداخته است ایشان می‌نویسد: کشاورزی ایران، تعاونی‌های سنتی است فکر اصلی در ایجاد تعاونی بر پایه این اصل قرار دارد که افراد گرد هم جمع می‌شوند برای همکاری و همیاری، و زنان بخش اعظم اعضای این تعاونی‌ها را تشکیل می‌دهند همین‌طور در کتاب واژه که به نوعی جلد دوم کتاب فرهنگ یاریگری را تشکیل می‌دهد که واژه نوعی تعاونی سنتی شدن و زنانه در ایران است ایشان معتقدند که با مطالعه واژه‌ها و تعاونی‌های روستایی می‌توان فهمید که زنان ایرانی از دیرباز در اقتصاد خانواده نقش موثری داشتند آمار می‌کند دکتر فرهادی بدان اشاره دارد اینست که در سال ۱۳۳۵ حداقل دو میلیون زن ایرانی در ۴۰۰۰۰۰ واژه تعاونی سنتی عضو بودند طبق نظر دکتر فرهادی اصولاً مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یکی از عوامل مهم در توسعه یک کشور به شمار می‌آید در نتیجه تجربه «واژه» می‌تواند زمینه‌سازی برای حضور بیشتر زنان ایرانی در سطوح مختلف فعالیت اجتماعی را فراهم نماید و اثر چنین اعتماد و دادن حقوق شهروندی به زنان سرعت بخشیدن به چرخ‌های ماشین‌کند توسعه در کشورمان است در واقع واژه می‌توانست به قول دکتر فرهادی به عنوان پشتوانه توسعه صنعتی به شمار آید که متأسفانه در شکل تولیدی خود ناپدید شد و امروزه به شکل مصرفی در آمده و این تغییر جهت و تغییر ماهیت واژه بزرگترین لطمه را به روند توسعه یافتگی ما وارد کرده است. واژه از نظر دکتر فرهادی دارای دو کارکرد است: کارکرد اقتصادی و غیر اقتصادی که در کارکرد غیر اقتصادی ایشان به نقش زنان اشاره می‌کند که شامل اوقات فراغت زنان و واژه، استقلال اقتصادی زنان و واژه، در واژه زنان از عواید اقتصادی و حقوقی برخوردار بودند از این رو برای حفظ این موقعیت از حضور مردان در واژه جلوگیری می‌کردند در این مورد دو نکته قابل ذکر است: اول اینکه همین حفظ پایگاه اقتصادی توسط زنان یکی از دلایلی بود که واژه را به صورت یک کار زنانه در آورده بود از دید فمینیستی این موضوع جالب خواهد بود امروزه یکی از دلایل سلطه مردان بر زنان عدم وجود پایگاه اقتصادی برای آنهاست تا زمانی که زنان نتوانند قدرت اقتصادی بدست بیاورند نمی‌توانند حقوق دیگر خود را نیز بدست آورند از این رو واژه می‌تواند به عنوان یک سازمان پیشرو که هویت مستقلی به زنان در مقابل مردان داده بود مطرح باشد. و از دیگر مواردی که دکتر فرهادی در کتابش به آن می‌پردازد صندوق‌های پولی است که زنان خانه دار ایرانی تشکیل داده‌اند در این شیوه اعضا هر ماه مقدار پول معینی را به صندوق می‌پردازند و در مقابل هر ماه در بین اعضا قرعه‌کشی می‌شود و برنده هر دوره قرعه‌کشی مبلغی پول دریافت می‌کند دکتر فرهادی با بیان این مطالب به نقش موثر زنان در بهبود اقتصاد اول خانواده و سپس تأثیر مستقیم آن بر اقتصاد جامعه می‌پردازد (فرهادی، ۱۳۷۶).

۶- کتاب صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن

در کتاب صنعت بر فراز سنت هم دکتر فرهادی به مساله مشارکت زنان در امر اقتصاد می‌پردازد و از اهمیت واژه و تعاونی‌های روستایی و زنان عضو این تعاونی‌ها یاد می‌کند. وی می‌نویسد: خرده‌فرهنگ تعاونی و مشارکتی زنان ایرانی چند هزار ساله است و این در حالی است که تجربه راجدیل منچستر انگلستان گوش فلک را با آن کر کرده و از آن به عنوان تجربه‌ای بی‌نظیر در جهان سخن گفته می‌شود حدود ۱۷۰ ساله است زنان ایرانی چندین هزار سال و به تعداد میلیونی عضو سازمان غیر رسمی واژه تعاونی تولید، مصرف سنتی فراورده‌های شیری با محور اصلی همیاری همگرا بوده‌اند دکتر فرهادی با توجه به مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای خود معتقد است که توانایی‌های مدیریتی و مشارکتی زنان ایران و به ویژه در مقطع انقلاب اسلامی بسیار بیش از آن

بوده است که به تصور روشنفکران ما در آید. و از آنان به عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌کند وی معتقد است که استفاده از این سرمایه‌ها می‌توانست به ایجاد نهضتی در میان بانوان ایرانی برای خودکفایی ایران حداقل در بخش‌هایی از صنایع و از آن جمله نساجی که پیوستگی قابل تاملی با تاریخ و فرهنگ و مذهب ایرانیان داشت و می‌توانست الگویی برای خودکفایی در دیگر موارد و رشته‌های صنعتی در ایران بشود و به زنان ایرانی افزون بر اعتماد به نفس که پیش از آن نیز در حوزه‌های آموزشی و پزشکی و هنر به دست آورده بودند و در مسایل سیاسی و نظامی در انقلاب و جنگ که در جریان انقلاب و جنگ بدست آورده بود اعتماد به نفس انقلابی قابل قبولی در مسایل توسعه‌ای و استقلال اقتصادی از بیگانگان و به ویژه دشمنان مردم ایران در جامعه ایجاد کند و با توجه دادن زنان مملکت ما به مسئله فرهنگ کار و تولید در اسلام و ایران بدون خبر و الله اعلم و خودکفایی در معاش زبینه و مناسب سد استواری در برابر فرهنگ تهاجمی مصرف‌گرایی بی‌قاعده و ضابطه در میان زنان و دختران ایرانی ایجاد نماید و حتی به مردان و پسران این سرزمین نیز تاثیر گذارد (فرهادی، ۱۳۹۷).

دکتر فرهادی اصطلاح "کوچه روشن کن و خانه تاریک کن" را در مورد زنان کشورهای توسعه نیافته بکار می‌برد ایشان معتقدند که زنان جوامع کشورهای توسعه نیافته دارای اقتصاد بادآورده به نسبت آموخته شدن در دهه‌های گذشته، ناخواسته و غالباً نادانسته سبب آبادانی نظام‌های اقتصادی کشورهای اروپایی و امریکا شده‌اند و بسیاری از شرکت‌ها، کارخانه‌ها و اقتصاد جهان سوداگری استعماری را از ورشکستگی نجات داده‌اند و این رفتار گاه به قیمت خانه تاریک کنی کشور و ستم مستور بر خانواده و فرزندان و مادر وطن شده است. پس سزاوار است برای پندآموزی و تجربه اندوزی نقش موثر آنان در اقتصاد و فرهنگ مصرفی ما آشکار شود. این مساله نه تنها برای کشورها که برای تمام کشورهای نظیر توسعه نیافته و صاحب ذخایر زیرزمینی و به ویژه کشورهای صاحب نفت و گاز خاورمیانه صادق است (همان).

۷- کمره نامه

در این نوشته دکتر فرهادی شیوه تولید فرآورده‌های لبنی در میان زنان ایران در دو منطقه روستایی و ایلی را مورد بررسی قرار داده است که زنان ایلی و روستایی ایران از تمام فنون چند هزار ساله و تجربیات عملی برای کره‌گیری استفاده می‌کرده‌اند و اینکه در مورد کاربرد گفتارهای جادویی که در خیلی از کشورها در روستاها کاربرد داشته مثل تحقیقی که مالینوفسکی در مورد جزایر تروبریاند انجام داد و از کاربرد جادو در آنجا می‌گوید دکتر فرهادی معتقدند که زنان روستایی کمره در موارد ماست بندی درست کردن پنیر و یا گذاشتن کشک حتی در یک مورد هم به چنین آیین‌ها و باورهایی رو نمی‌آورند. و هم چنین انتقاد می‌کنند از کسانی که گناه توسعه نیافتگی کشورهایی نظیر ایران را بر گردن مسائلی چون محافظه کاری و مقاومت در برابر نوآوری، قدرگرایی و یا تکروی، خودمحوری و افسردگی و عدم انگیزه برای پیشرفت می‌اندازند اینان سخنانشان برخاسته از تجربه عمیق و دست اول و واقعیت زندگی مردمان این کشورها نیست و در اینجا به مسئله تعاونی‌های تولید سنتی واره اشاره می‌کنند و زنانی که عضو این واره‌ها بودند (فرهادی، ۱۳۶۹).

۸- کار و زمان در منشور شعر و کار کارستان پروین

جایگاه و پایگاه زن در آثار دکتر فرهادی را می‌توان از پرداختن ایشان به اشعار پروین اعتصامی پی برد دکتر فرهادی اشعار پروین اعتصامی را مورد کنکاش قرار داده و به مواردی در اشعار این شاعره بزرگ ایرانی می‌پردازد که تاکنون می‌توان گفت کسی بدانها توجه نداشته و با نگاه جامعه‌شناسانه‌ای که به این اشعار دارد ویژگی‌هایی از اشعار پروین را به ما نشان می‌دهد که تا به امروز کسی به این ویژگی شعر پروین توجه نکرده است. محور اصلی اشعار پروین کار و کوشش است این همان نکته‌ای است که کشورهای توسعه یافته خوب بدان توجه داشتند. هیچ شاعر دیگر ایران به اندازه او درباره کار و ثمربخشی آن سخن نگفته است. از دیوان او میتوان گلچینی خواندنی و زیبا از قصه‌ها و مناظرات و تک‌بیتها در ستایش سعی و عمل فراهم آورد اما کار در حقیقت دستور زندگی و داروی فراموشی یا تسلیم به نظام این جهان متحرک است و به تنهایی اطمینان قلب نمی‌بخشد و پاسخگوی پرسش انسان در باب راز آفرینش و هستی و مرگ نیست. داروی این درد جانکاه به عقیده پروین ایمان است (موید به نقل از فرهادی، ۱۳۶۸: ۲۲۹).

در اشعار پروین، جدایی گفتار از کردار و کار، هستی در کار، تشویق به تلاش و صبوری در کار، نکوهش تبلی و تن‌پروری، «رفوگری وقت» (فرصت اندوزی و مدیریت زمان)، انواع کار، کار بی‌رویه، کارکردهای کار، کارآموزی و آموزش کار، لزوم همکاری کار گروهی و کار تخصصی، و همکاری به شیوه دگرپاری ادامه می‌یابد و سرانجام به نقش مور، نماد کوشندگی در شعر پروین، و به آسیب‌شناسی فرهنگ کار و دلایل شگفتی خود از کار به هنگام وی در زمانه نابه هنگام می‌پردازد و پژوهشگران ایرانی را به کاوش در سرچشمه‌های اندیشه پروین تشویق می‌کند (فرهاد، ۱۳۹۰).

این همان پتانسیل فرهنگی است که به قول دکتر فرهادی کشورهای سنتی صنعتی شده موج دوم همچون ژاپن، چین و هند بدان توجه کردند و با تکیه بر فرهنگ پر بار باستانی و رها نکردن جوهره فرهنگ سنتی به طور اعم و به شکل اخص فرهنگ تولیدی، کار و ارزش‌ها، دانش‌ها و فن‌آوری‌های آن به شکل ویژه توانستند به سمت توسعه گام بردارند و موفق هم شوند تقریباً تمام کسانی که به تحلیل توسعه ژاپن پرداخته‌اند حفظ سنت‌ها و ارزش‌ها و هنرهای فرهنگی ژاپن، از کنجکاوای تا سخت‌کوشی در کار (همان گفته پروین اعتصامی که دکتر فرهادی به آن پرداخته) و پیوند خلاق آن با تکنولوژی غربی همچون پیوند خلاق با گذشته، انگشت گذاشته‌اند (همان).

۹- مشک‌سازی و مشک‌زنی در روستاهای کمره

در این مقاله فرهادی به اهمیت فراورده‌های شیری و عملیات کره‌گیری در روستاهای کمره می‌پردازد و می‌نویسد: کره‌گیری و جداسازی کره از ماست در زندگی دامداری سنتی ایران چنان اهمیت دارد که برداشت خرمن در زندگی کشاورزی، و به زنانه بودن این کار اشاره دارد و اینکه زنان روستایی برای بهبود بازده کار زنان به راه‌ها و باورهایی روی می‌آورند و این کار را با کار مردان در مناطقی از ایران مانند کوهستان‌های شمال مقایسه می‌کند و اینکه اینگونه آداب و رسوم در این مناطق که مردان به کار کره‌گیری می‌پردازند به حداقل خود کاهش یافته. دکتر فرهادی معتقد است که کار تهیه فراورده‌های شیری و منجمله کره‌گیری کاری زنانه است و به نظر می‌رسد که مردانه شدن کار کره‌گیری امری ثانوی و نسبتاً تازه است و سبب قطع رابطه با سنت‌های گذشته شده است دکتر فرهادی در این مقاله اشاره‌ای دارد به ترانه‌هایی که توسط زنان مشکه زن خوانده می‌شود و معتقدند که این ترانه‌ها دربرگیرنده مسائل گوناگون و پراهمیتی از زندگی روستاییان و بویژه دامداران و چوپانان است که تحلیل و تفسیر این ترانه‌ها و کار بر روی آنها می‌تواند فرهنگ غنی و پر بار روستاییان ما را نشان دهد (فرهادی، ۱۳۹۳).

۱۰- حکومت زنان در توچغاز سامن ملایر

در این نوشتار دکتر فرهادی به حکومت زنان توچغاز می‌پردازد که با خارج شدن مردان از هفت ساله تا هفتاد ساله، زنان توچغاز در دو محله پایین و بالا گرد آمده طبق سنت دیرینه حکومتی تشکیل داده و از میان خود و از زنان قدرتمند و کارآمده شاه و دو وزیر را انتخاب کرده و از میان زنان قوی و چابک نیرویی برای حفاظت ده و جلوگیری از ورود هر مردی به هر دلیلی به آبادی تشکیل می‌دادند. اگر مردی دانسته یا ندانسته به ده وارد می‌شد، زنان او را تحت الحفظ به دار الحکومه برده و شاه پس از بازجویی و محاکمه تنبیهی در خور برای او صادر می‌کرد نوع شدت تنبیه بستگی به استدلال و طرز برخورد او در آن محکمه زنان داشت. زنان در این روز به اجرای برخی از بازی‌ها و ورزش‌ها نیز می‌پرداختند. برنامه دیگر زنان در این روز اجرای نمایشات همراه با طنز و هزل «شاه و وزیر» و «عروس و داماد» و غیره بود. آخرین برنامه زنان در این روز، استقبال از آب، آب‌تنی و آب‌پاشان بود، بدین طریق که زنان می‌دانستند که مردان چه هنگامی آب دریاچه را رها کرده و آب‌سربند کی به روستا می‌رسد لذا به موقع به استقبال آب رفته، در کنار آب‌سور و سات خود را پهن کرده، چای درست می‌کردند و با ورود آب برای تبرک و شوخی به هم آب می‌پاشیدند و برخی با لباس داخل آب شده و آب‌تنی می‌کردند، آنها هم که داخل آب نمی‌شدند سعی می‌کردند حداقل قسمتی از بدن و لباس خود را تر کنند، این کار را با شگون و پریمیمنت می‌دانستند و هرکس نذر و نیازی داشت با نیت به این کار می‌پرداخت (فرهادی، ۱۳۷۲).

همانطور که اشاره شد «تاکنون بجز توچغاز در دو محل دیگر از ایران در آب‌اسک لاریجان و افسوس رسم حکومت زنان گزارش شده است هر سه مورد دارای شباهت‌های بسیار هستند و نشان می‌دهند که احیاناً آخرین بازمانده‌های یک و یا چند جشن سراسری بوده‌اند. فاصله این سه محل از یکدیگر به صورت خط مستقیم و هوایی حد اقل حدود ۲۲۰ کیلومتر و حد اکثر حدود ۵۳۰ کیلومتر است. هر سه این جشنها در بهار اتفاق می‌افتند (همان).

نتیجه‌گیری

در تمام آثار دکتر فرهادی می‌توان نقش زنان و اهمیت آنها در کار تولیدی، فرهنگی، مشارکت‌های اقتصادی و سیاسی مشاهده کرد. از دیگر مردم‌شناسان معاصر ایرانی می‌توان دکتر سهیلا شهباشی را نام برد که ایشان در مورد زنان ایران و ایلات و عشایر تحقیقات میدانی بسیاری انجام داده که مهمترین آن درباره زنان ممسنی است ایشان بیشتر به فرهنگ ایلات و عشایر و همچنین نحوه برخورد زنان با مردان می‌پردازند و اینطور به نظر می‌آید که نقاط ضعف زنان در تحقیقات ایشان پررنگ‌تر است و با دید دلسوزانه به زن و موقعیت او در جامعه ایرانی می‌نگرد شهباشی اگرچه از زنان قدرتمند هم صحبت می‌کند مثلاً وقتی از بی‌بی زنی قدرتمند در ممسنی اسم می‌برد زنی که ایده کار کردن روی ممسنی را به او داد.

می توان به این نکته رسید که دکتر فرهادی در آثارش زن ایرانی را قدرتمند می داند وقتی از حکومت زنان می گوید و یا وقتی از واره صحبت می کند قدرت زنان را به تصویر می کشد ایشان بدون دید فمینیستی به زن ایرانی نگاه می کند در اثر مازنجیل می خوانیم که طرح های که زنان روستایی می بافتند خطوط شکسته، زوایای برنده اشکال و خطوط محکم و استواراست و این از محکم بودن، قدرت و استوار بودن زنان روستایی می تواند نشات گرفته باشد و یا در اثر ترانه های کار می بینیم که این زنان هستند که با ترانه های خود و همراهی با تک خوان زن به بهبود کار در مزرعه کمک می کنند و یا در فرهنگ یاریگری وقتی صحبت از همکاری و همیاری زنان می کند هیچ ردی از نظریه فمینیستی در آن دیده نمی شود بلکه واقعیت زن ایرانی در گذشته و فرهنگ باستانی ایران نیازی به دفاع و وکیل مدافع نداشته چرا که جایگاهی قوی و حتی در برخی موارد رئیس ایل و قبیله خود بوده با مقایسه آثار دکتر فرهادی با فمینیست ها می توان فهمید که این جوامع غربی هستند که نیاز به عنوان کردن نظرات فمینیستی در جوامع خود دارند ولی در فرهنگ پربار و سنتی ایران زن مقام والایی داشته و با پرداختن به آن و تحقیق و مطالعه در مورد فرهنگ سنتی ایران می توان به خوبی این را فهمید. فمینیست ها بر این عقیده اند که بررسی طبقه اجتماعی در جامعه شناسی مبحث مهمی است اما زنان که به طور سنتی در بازار کار حضور دائمی ندارند و طبقه اجتماعی ایشان را شغل شوهرانشان تعیین می کند، از این مبحث حذف شده اند. فمینیست ها گفته اند که اینگونه برخورد با زنان در نظریه طبقات نه تنها جنس پرستانه است بلکه ما را به درک نادرستی از طبقات اجتماعی به ویژه در مورد مسائلی نظیر تحرک اجتماعی، بازبودن جامعه و مسئله هویت طبقاتی می رساند (پاملا ابوت و کلروالاس، ۱۳۸۵)

شاید این نظرات در جامعه غربی معنا داشته باشد مکتب زن سالاری افراطی (فمینیسم) که زنان را به دنبال کسب مجهولی می دواند، در غرب و به علل و دلائل غربی متولد شد و هنگام ظهور در اروپا و بویژه انگلستان با توجه به تاریخ و فرهنگ غربی، ظاهر موجهی داشت گرچه ساختار مذهب مسیح (ع) با همه تحریفات و پیرایه ها، مردان و زنان را با تبعیض چندانی مواجه نساخت تا لازم باشد برای احقاق حقوق زن به مبارزه با مسیحیت برخیزند و حتی می توان گفت مسیحیت، زنان را در اروپا محترم تر ساخت اما غرب با زنان، مشکلی دیرینه داشته است. در یونان باستان که تمدن آن هنوز زبازند است و مبنای تمدن کنونی مغرب زمین دانسته می شود، «شهروندی» و مزایای آن شامل «رعایا» و «زنان» نمی شد. افلاطون، فیلسوف نامدار یونان با آنکه از برابری مردان و زنان حمایت می کرد و ورود زنان را در موقعیت ها می پذیرفت، اما خداوند را سپاس گفت که مرد، آفریده شده است (ویل دورانت، ۱۹۲۹: ۱۴۸).

ولی در جامعه و فرهنگ سنتی ایران، زنان از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده اند و خود صاحب شغل و حرفه و درآمد بودند و در اقتصاد جامعه نقش بسزایی داشتند. با مطالعه آثار دکتر فرهادی می توان به این نتیجه رسید که ما نیازی به جنبش فمینیستی در ایران نداریم زیرا که زن در تاریخ ایران جایگاه و مقام بالا و والایی داشته بخصوص زن روستایی که بدلیل مشارکت در کار و همیاری و همکاری با مردان در صحنه کار و فعالیت ارج و قرب بسزایی داشته است و خود صاحب درآمد بوده با مطالعه فرهنگ سنتی می توان به این مهم دست یافت و پاسخ قاطع و محکمی به تئوریسین های توسعه غربی داد البته این خوب است که به فرهنگ غرب نگاه کنیم و به قول دکتر علی بلوکباشی در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ های دیگر نگرستن نه اینکه راهی را برویم که عینا غربی ها رفتند که ما نیازی به راه های آنان نداریم وقتی به قول دکتر فرهادی غربی ها تمام نردبان های شان را با خود برده و جز دام های بی سر راه بومیان ذوق زده باقی نگذاشته اند دیگر چه راهی که این خود مصداق بی راهه است و یا به قولی برای توسعه راه های سلطنتی وجود ندارد که از راه رفتن هر چند که ممکن است مسیر طولانی شود اما بهتر است از بی راهه ایی که که کوتاه باشد ولی به مقصد نرسد.

سنت از منظر دکتر فرهادی بخشی از میراث فرهنگی یک ملت می باشد که مقوم توسعه پایدار و پایه دار و موتور محرک و پیش برنده و بالا برنده آن است و به شکل دقیق تری در کارهای متاخر دکتر فرهادی بخش کارآمد و کاربردی آن را به نام پتانسیل فرهنگی نام نهاده و تعریف کرده است که شامل فرهنگ تولیدی، فرهنگ کار، و دانش های سنتی است و مطالعه روستاها و فرهنگ بومی کشور می تواند ما را به توسعه و توسعه پایدار نزدیک کند.

با توجه به نظرات دکتر فرهادی می توان گفت: توسعه روستایی یعنی بهبود کیفیت زندگی مردم به ویژه مردمان کم درآمد. این امر از طریق بهبود وضعیت کشاورزی، درمانی و بهداشتی، فناوری، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و آموزشی و نیز تقویت ساختارهای مشارکتی در جامعه تحقق پذیر است. اما نقطه شروع باید از خود مردم باشد، یعنی همان کسانی که از دانش ذاتی پدیده ها و شرایط پیرامون خود برخوردارند و از آنها متاثر می شوند. زمانی که آژانس ها و سازمان های توسعه برای بهبود استانداردهای زندگی مردمان روستایی تلاش می کنند، ضروری است شرایط و سوابق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بوم شناختی و سیاسی در نظر گرفته شود و تا زمانی که این تلاش ها بدون توجه به نظرات کشاورزی و منابع آنها انجام گیرد، سرمایه گذاری ها و برنامه های توسعه به نتیجه نخواهد رسید.

امروزه کارآفرینی در نقش یک راهبرد در توسعه و شکوفایی و رشد جوامع انسانی، به جایگزین بی بدیلی تبدیل شده است که از طریق آن همه عوامل و منابع و امکانات یک جامعه به صورت خودجوش و از راه قرارگرفتن در یک روند تکاملی در جهت نیل به آرمان های بلند اجتماعی بسیج می شوند تا منشا بسیاری از آثار و پیامدهای مثبت اقتصادی- اجتماعی گردند. لذا چنانچه به فواید بی شمار این پدیده توجه همه جانبه شود، اهداف و مختصات یک الگوی توسعه ای کارآمد سهل الوصول تر خواهد شد. موضوعی

که در خصوص اهمیت کارآفرینی و ارتباط مستقیم آن با اعتلای ملی یک ملت باید جدی تلقی گردد، اهمیت دادن به نقش کارآفرینی روستایی و تعاونی‌های روستایی که زنان عهده دار آن هستند و یا در آن مشارکت دارند مقوله‌ای است که با همه اهمیت آن در جامعه ما مورد غفلت واقع گشته و توجه درخوری به آن نشده است. بنا به گفته دکتر فرهادی تعاونی‌ها به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشور می‌توانند محل مناسبی برای فعالیت‌های کارآفرینان و توسعه کارآفرینی باشند.

زنان روستایی که در حدود نیمی از جمعیت روستاهای کشور و ۴۰ درصد از نیروی کار روستاها را تشکیل می‌دهند، در صورت ایجاد زمینه‌های مناسب، می‌توانند در توسعه تعاونی‌های کارآفرین در مناطق روستایی نقش به‌سزایی داشته باشند و همین امر می‌تواند تاثیر بسیار زیادی بر توسعه روستایی داشته باشد (فرهادی، ۱۳۹۷).

با توجه به آنچه که گفته شد و با مطالعه آثار دکتر فرهادی می‌توان چنین نتیجه گرفت که: مشارکت زنان در جریان توسعه یک امر ضروری می‌باشد، که با روش‌های مختلف باید نسبت به این امر مبادرت نمود. یکی از این ظرفیت‌ها، تشکل مردمی با حمایت نهادهای دولتی است. تشکلاتی که بتوانند زمینه مشارکت زنان را در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی گرد هم آورد. شرکت تعاونی زنان روستایی نمونه‌ای از این تشکلات هستند بسط و توسعه فعالیت‌های مولد و پویا، یکی از اهداف مهم تعاونی‌ها است. زیرا تعاونی‌ها با سرمایه‌گذاری موجب ایجاد فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خاصی میشوند. میتوان ابراز داشت که شرکت‌ها و موسسه‌های مشارکتی (تعاونی‌ها) معمولاً درآمد خود را متناسب با ارزش منابعی که اعضاء شرکت با تشریک مساعی بدست آورده‌اند، تقسیم میکنند. منابع و درآمد خالص میان کلیه اعضاء شرکت بصورت عادلانه تخصیص یافته و هیچ عضوی از تعاونی درآمدش بالاتر از بقیه اعضاء نیست.

دکتر فرهادی معتقد است که فعالیت در تعاونی‌ها بستر لازم را برای به ثمر رسانیدن رشد شخصیتی و ارتقاء توانمندی‌های ذهنی و فکری اعضاء مهیا نموده و موجب مشارکت فعال آنان در فعالیت‌های گروهی می‌گردد. با این وجود بسیاری از رویکردهایی که در باره توسعه تعاونی‌ها و به ویژه تعاونی‌های روستایی مطرح میشود، ساده‌انگارانه، سطحی و بدون مبنای فلسفی عمیق است. به عبارت دیگر بسیاری از خط‌مشی‌هایی که در باره تعاونی‌ها مطرح میگردد، فاقد پایه نظری و چارچوب فلسفی مشخص است و لذا شایسته نیست که بدون تحلیل عمیق به ارزیابی و چگونگی روند تکامل تعاونی‌ها پرداخت (همان). حال میدانیم توسعه‌ای که تعاونی‌ها به دنبال آن هستند، توسعه پایدار است. توسعه پایدار فرآیندی است، که نه تنها رشد اقتصادی را به همراه دارد، بلکه سبب تجدید حیات محیط زیست به جای تخریب آن میگردد و به جای در حاشیه قرار دادن مردم، به آنان قدرت و اختیار میدهد، اولویت را به فقرا داده و حق انتخاب را برای آنها فراهم آورده و امکان مشارکت در تصمیماتی که بر زندگی آنان تاثیر میگذارد را تقویت می‌کند. توسعه‌ای که طرفدار مردم، طبیعت، اشتغال و زنان است (اقتباس از فرهادی، ۱۳۹۷).

منابع

- آژیده، مژگان (۱۳۹۶). نقش زنان در توسعه اقتصادی و توسعه پایدار، دومین کنگره ملی زنان موفق ایران، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس.
- پاملا ابوت و کلر والاس (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، نشر نی، تهران.
- خلعتبری، اللهیار؛ بهادری، علی (۱۳۸۹). نگاهی انتقادی به جایگاه زن ایرانی در متون کهن فارسی (از آغاز طاهریان تا پایان خوارزمشاهیان)، نشریه مسکویه، دوره ۴، شماره ۱۲.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۶۹). نامه کمره. انتشارات امیرکبیر.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲). لای رویی و جشن پایان لای رویی و حکومت زنان در توجقان سامن ملایر، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۱۷.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۶). فرهنگ یاریگری در ایران (درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون)، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۸). موزه‌های بازیافته. تهران، مرکز کرمان‌شناسی.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۹). ترانه‌های کار. فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۷، شماره ۱۲.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۹). مازنجیل-نگاهی مردم‌شناختی در گلیمینه‌های کورکی، کتاب ماه و هنر، شماره ۲۳ و ۲۴.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۳). مردم‌شناسی قالیچه‌های گل برجسته دره جوزان ملایر. نامه انسان‌شناسی شماره ۵.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۷). واره درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، نشر شرکت سهامی انتشار.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۹۰). کار و زمان در منشور شعر و کار کارستان پروین، نیمسالنامه جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۳، پاییز و زمستان، پژوهشگاه علوم انسانی.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی روند توسعه پایدار در ایران، دانش‌های بومی ایران، دوره ۱، شماره ۱.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۹۷). صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن. انتشارات دانشگاه علاوه طباطبایی.
- مجلسی، منیژه (۱۳۸۵). نقش زن در توسعه پایدار، ششمین همایش ملی دو سالانه انجمن متخصصان محیط زیست ایران، تهران، انجمن متخصصان محیط زیست ایران.
- ویل دورانت (۱۹۲۹). لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.